

تو بمان؛
رفتن من برای ماندن دوست

حسن بدای

مقدمه‌ی روح‌الله دالوند

- سرشناسه : بداقی، حسن، ۱۳۵۵-
عنوان و نام پدیدآور : تو یمان؛ رفتن من برای ماندن توست / حسن بداقی؛
مقدمه‌نویس و ویراستار روح الله دالوند.
مشخصات نشر : خرم آباد: دانه‌های رستگاری، ۱۴۰۱.
مشخصات ظاهری : ۱۲۵ ص.
شابک : 978-622-97165-4-0
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه: ص. ۱۲۵.
موضوع : داستان‌های کوتاه فارسی — قرن ۱۴
Short stories, Persian -- 20th century
شناسه افزوده : دالوند، روح الله، ۱۳۵۲-، مقدمه‌نویس، ویراستار
رده بندی کنگره : ۸۳۳۵PIR
رده بندی دیویی : ۶۲/۳۶۸
شماره کتابشناسی ملی : ۸۷۹۹۱۶۷
اطلاعات رکورد کتابشناسی :



عنوان کتاب:	تو یمان؛ رفتن من برای ماندن توست
مؤلف:	حسن بداقی
مقدمه‌ی:	روح الله دالوند
ناشر:	دانه‌های رستگاری
ویراستار:	روح الله دالوند
طرح جلد:	شیرین معین آزاد
صفحه‌آرایی:	علیرضا احمدی (ردنا)
چاپ :	اصیل
نوبت چاپ:	چاپ اول، اردیبهشت ۱۴۰۱
شمارگان:	۲۰۰ نسخه
قیمت:	۵۰۰۰۰ تومان
نشانی:	خرم آباد، پل هرو، جنب پل، کد پستی: ۶۸۷۵۱۴۹۹۲۲
کلیه حقوق محفوظ است	

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۹	مقدمه
۹	استان مرکزی و فرزندان برومندش
۳۲	پیش‌سخن
۳۳	داستانک ۱ (دانه و خاک)
۳۴	داستانک ۲ (نبودنت درد است)
۳۵	داستانک ۳ (با تو جمع می‌شوم)
۳۵	داستانک ۴ (ما بدون هم هیچیم)
۳۷	داستانک ۵ (وصال)
۳۹	داستانک ۶ (باغبان)
۴۰	داستانک ۷ (خیمه‌شب‌باز)
۴۲	داستانک ۸ (قلب چشمه)
۴۳	داستانک ۹ (جغد پروانه‌ای)
۴۹	داستانک ۱۰ (مسئولیت‌پذیری)
۵۲	داستانک ۱۱ (دشنه‌ی محبت)
۵۵	داستانک ۱۲ (کوه تنها)
۵۹	داستانک ۱۳ (رقص عاشقانه)
۶۱	داستانک ۱۴ (زانو زدن)
۶۴	داستانک ۱۵ (ریگ و گرما)
۶۶	داستانک ۱۶ (عشق)
۶۶	داستانک کوتاه ۱۷ (ناز و نیاز)
۶۸	داستانک کوتاه ۱۸ (مرده‌ی متحرک)

داستانک ۱۹	(ریسمان افعی)	۶۸
داستانک ۲۰	(پنجره)	۶۹
داستانک ۲۱	(انتظار)	۷۱
داستانک ۲۲	(هذیان)	۷۲
داستان ۲۳	(پر پرواز)	۷۳
داستانک ۲۴	(لطفاً بمان)	۷۴
داستانک ۲۵	(عشقه)	۷۵
داستانک ۲۶	(عقربک‌ها)	۷۷
داستانک ۲۷	(مرگ کاغذ)	۷۸
داستانک ۲۸	(انتظار)	۷۸
داستانک ۲۹	(رویا)	۷۹
داستانک ۳۰	(شهاب)	۷۹
داستانک ۳۱	(دم‌دستی)	۸۰
داستانک ۳۲	(آبی سیاه)	۸۱
داستانک ۳۳	(ناخواسته)	۸۲
داستانک ۳۴	(پراکنده)	۸۳
داستانک ۳۵	(یاس)	۸۳
داستانک ۳۶	(برو مسافر)	۸۴
داستانک ۳۷	(خلوت و غرور)	۸۵
داستانک ۳۸	(گشتمش)	۸۶
داستانک ۳۹	(سوختن)	۸۸
داستانک ۴۰	(مسئولیت کلمات)	۸۸
داستانک ۴۱	(رقص پیر عاشق)	۸۹

- داستانک ۴۲ (رسوا) ۹۰
- داستانک ۴۳ (انگار که از آغاز نبوده است) ۹۱
- داستانک ۴۴ (برکه‌ای که نخواست مرداب شود) ۹۲
- داستانک ۴۵ (حضرت عشق) ۹۳
- داستانک ۴۶ (آینه) ۹۴
- داستانک ۴۷ (پسرک روستایی) ۹۴
- داستانک ۴۸ (پدرم؛ عارفی در لباس کشاورز) ۹۵
- داستانک گوش ۴۹ (گوش) ۹۶
- داستانک ۵۰ (هیچ) ۹۸
- داستانک ۵۱ (مهربان) ۹۸
- داستانک ۵۲ (جاکلیدی) ۱۰۲
- داستانک ۵۳ (دکمه) ۱۰۴
- داستانک ۵۴ (انتظار) ۱۰۶
- داستانک ۵۵ (الزایمر) ۱۰۷
- داستانک ۵۶ (پستو چاره‌ی عشق نبود) ۱۰۸
- داستانک ۵۷ (گریخته) ۱۰۹
- داستانک ۵۸ (بک یا الله) ۱۱۱
- داستانک ۵۹ (جاده‌ی یک‌طرفه) ۱۱۴
- داستانک ۶۰ (هویت) ۱۱۴
- داستانک ۶۱ (لاله و باد) ۱۱۵
- داستانک ۶۲ (سرخورده) ۱۱۶
- داستانک ۶۳ (دعایی برای باران) ۱۱۷
- داستانک ۶۴ (نعمت اسارت) ۱۱۷

مقدمه

استان مرکزی و فرزندان برومندش

سرزمینی که امروز استان مرکزی می‌خوانندش، با فرزندان برومندش حق بزرگی بر سیاست و اقتصاد و فرهنگ این کهن بوم و بر دارد. از سلمان ساوجی و نظامی پُرحکمت و حکیمش، قائم‌مقام فراهانی و میرزا محمدتقی خان فراهانی معروف به امیرکبیرش و تا پدر حقوق ایران، مصدق؛ ذره‌ی نادره‌اش هر چند که زاده‌ی اراک نبود؛ اما تبارش به آنجا می‌رسید و تا قادر عبدالله‌اش که زاده‌ی اراک بود و رخت پناهندگی به هلند افکند و از بزرگ‌ترین نویسندگان هلند شد و آثارش به ۲۷ زبان زنده‌ی دنیا ترجمه شد و تا مصطفی بادکوبه‌ای همچو باد بر استبداد دینی کوبنده‌اش و مظاهر مصفای باصفایش و محمد خزائلی نابینای أعجوبه‌اش و فرهنگ رجایی خُسب‌جانی بافرهنگش و پروفیسور حسابی- آدم حسابی باحسابش که حساب واژه‌سازی میلیاردی زبان فارسی را هم داشت- و محمد قریب غریبش و سرهنگ نجاتی؛ نجات‌دهنده‌ی تاریخ از هجوم زر و زور و تزویرش و اختر چرخ ادب، پروینش هر چند زاده‌ی استان مرکزی نبود؛ اما تبارش به آشتیان می‌رسید- و محمد خرمشاهی خرم نویسش که اولین کسی بود که گفت: «چوب خدا صدا ندارد» و «در خانه‌ی ما رونق اگر نیست، صفا هست» و «چه توفیقی از این بهتر که خلقی را بخندانی» و فروغ عصیانگر همیشه پرفروغش- که دوست داشت

گیس دختر سید جواد را بکشد و هر چه که باد کرده باشد، قسمت کند؛ هرچند زاده‌ی مرکزی نبود؛ اما تبارش به تفرش می‌رسید و محبوبه‌ی میر قدیری داستان‌سرا و حنا مشایخ غزل سرایش و اینک، نخبه‌مردی دیگر از این سرزمین زرخیز و زر پرور، بدایق پرشور و شعور؛ از پدری ترک و مادری لر، با داستانک حکیمانه‌اش:

«تو بمان؛ رفتن من برای ماندن توست».

اولین بار از زبان «معلم شهید» - «معلم عرفان، برابری، آزادی» که زندگی‌اش شهادت «عرفان، برابری، آزادی» بود - حکمت آغاز و انجام کتاب‌ها را آموختم. او بود که اولین بار خود به تأمل در آغاز و انجام کتاب‌ها پرداخت و شاگردانش را نیز با «حکمت عملی» - «نه شیخ برای مردم» - به تأمل در آغاز و انجام کتاب‌ها واداشت. ابتدا خود عمل می‌کرد و بعد دیگران را امر به معروف و نهی از منکر می‌کرد. به تعبیر امامش علی که چون قلمش به او می‌رسید، می‌رقصید: «روشنی از چراغ واعظی طلبید که پند خود را به کار می‌گیرد». در جایی با تأمل در آغاز و انجام قرآن چنین می‌نویسد: «قرآن کتابی ست که با نام «خدا» آغاز می‌شود و با نام «مردم» پایان می‌یابد. کتابی «آسمانی» ست؛ اما - برخلاف آنچه مؤمنین امروز می‌پندارند و بی‌ایمانان امروز قیاس می‌کنند - بیشتر توجهش به طبیعت است و زندگی و آگاهی و عزت و قدرت و پیشرفت و کمال و جهاد!». (شریعتی، مذهب علیه مذهب: ۱۲۴)